

تاریخ نه تنها فرایند شکل‌گیری یک حرکت و یا حین تولد یک واژه را فرا روی مخاطبان خود قرار می‌دهد بلکه پرده از چهره واقعی افراد و افکاری بر می‌دارد که با جملات و شعارهای زیبایی خود قصد فریب مردم و دستیابی به قدرت را در سر می‌پروراندند.

«استفاده ابزاری از دین توسط عالمان و دین‌مداران» از جملاتی است که تاریخ ایران زمین آن را به شخص رضا خان و شکل‌گیری استبداد به نام جمهوریت خواهی را به این دیکتاتور وابسته به انگلیس نسبت می‌دهد.

رضاخان، که به نام جمهوریت، دیکتاتوری خود را آغاز کرده بود، تنها مانع در شکل‌گیری استبداد انگلیسی را روحانیت و دین‌مداران می‌دانست که بر مبنای اصل خدشه‌ناپذیر امر به معروف و نهی از منکر در مقابل حرکت‌های بی‌دینانه و وطن‌فروشانه ایستادگی می‌کردند. از این رو، بر آن شد تا در بخش نامه‌ای ضمن متهم کردن روحانیت و مردم دین‌مدار به استفاده ابزاری از اصل امر به معروف و نهی از منکر، آخرین سنگر و خاکیز مقابله با دیکتاتوری را از پیش روی خود بردارد.

رضا خان در این بخش نامه، امر به معروف و نهی از منکر را اختلال و شکاف در جامعه، خارج از دایره قانون و در راستای منافع شخصی و حرکت را در ممنوعیت امر به معروف و نهی از منکر در راستای اختیارات دولت و منافع ملی! به تصویر می‌کشید. حسین مکی در تاریخ بیست ساله، قبل از بیان محتویان متن بخشنامه، این حرکت رضا خان را گام پایانی وی در دستیابی به دیکتاتوری به تحلیل می‌نشیند و می‌نویسد:

«حکومت «تمرکز قدرت» و دیکتاتوری روز به روز ریشه خود را محکم‌تر می‌نمود. برای این استحکام، می‌بایستی تمام موانع و قدرت‌های محلی و روحانی و عشایری و غیره از پیش پای برداشته شود. قدرت‌های مهم محلی را تقریباً مضمحل کرده بود و اگر بقایایی داشت به مرور برداشته و نابود می‌شد. تنها قدرت روحانیت باقی مانده بود که می‌بایست از بین برود. در رأس این قدرت، مدرس بود که برای از بین بردنش نخست به وی سوء قصد شد، ولی جان سالم به در برد. لذا رضا شاه در نظر داشت که پس از خاتمه دوره ششم مجلس و سلب مصونیت سیاسی، مدرس را توقیف و زندانی کند که هم این سد را از پیش پای خود بردارد و هم دیگران حساب کار خود را بکنند. به طور کلی، مبارزه با روحانیت بدون مقدم چینی و ناگهانی مشکل به نظر می‌رسید و می‌بایست به آنها اخطار نمود که دست و پای خود را جمع نموده، دخالتی در امور ننمایند. بنابراین، روز دهم شهریور ماه ۱۳۰۶ بخش نامه زیر صادر نمود.»

دوم شهریور ماه ۱۳۰۶، ۲۷ صفر ۱۳۴۷

ابلاغیه ریاست وزراء

«از چندی پیش به این طرف مشاهده می‌شود که اشخاصی به نام فقط دیانت و جلوگیری از منهیات داخل، یک سلسله عناوین و اظهاراتی می‌شوند و می‌خواهند به این وسیله اذهان عمومی مشوب ساخته و در جامعه الفا، و نفاق و اختلاف کنند. در صورتی که امروز وحدت مساعی و اتفاق کلمه تمام افراد مملکت در کار کردن برای

حسن ابراهیم زاده

رضا خان

و استفاده ابزاری از دین





«بعد خطاب به جمعیت فرمود و به صدای بلند و رسا فریاد زد: (اما فیکم رجل رشید) آیا در میان شما یک مرد حسابی وجود ندارد که جواب این فراغه را گوید و قانون و اعلان آنها را ملغی کند.»^(۳)

آیت الله بافقی به امر به معروف و نهی از منکر خود ادامه داد و این حرکت باز دارنده این روحانی مبارز تا بدانجا رسید که نسبت به پوشش همسر رضاخان در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام در تحویل سال نو اعتراض کرد. مردم را ترغیب به بیرون کردن همسر شاه از حرم کرد. این حرکت بافقی به شکنجه، زندان و تبعید این بزرگمرد منجر شد.

حرکت ممنوعیت امر به معروف و نهی از منکر، که با جنگ روانی «استفاده ابزاری از دین» آغاز شده بود، زمینه را برای اجرای کشف حجاب و لباس‌های متحد الشکل و... حاکمیت فرهنگ غرب مهیا ساخت.

امام راحل رحمته الله که می‌دید روزی به بهانه منافع ملی، بر هم زدن نظم اجتماعی و خروج از دایره قانون، آمرین به معروف و ناهین منکر را از امر به معروف و نهی از منکر باز می‌دارند و روزی به نام استفاده ابزاری از دین، روحانیت و علما را در خصوص مسایل اخلاقی، فرهنگی و سیاسی به انفعال می‌کشانند، در وصیت نامه سیاسی الهی و در موضع‌گیری شفاف و صریح خود نه تنها امر به معروف و نهی از منکر را بلکه اقدام عملی را وظیفه اصلی مردم به هنگام نا کار آمدی قوای سه گانه بر می‌شمارد و می‌فرماید:

اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس جمهور و رؤسای جمهور ما بعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان آن است که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود. از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات بر خلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شد. و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه بر خلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسؤول می‌باشند و مردم و جوانان حزب الهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند، به دستگاه‌های مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند. خداوند تعالی مددکار همه باشند.»^(۴)

عظمت و سعادت وطن لازم و از وظایف حتمیه و تکالیف اولیه است. کسانی که بر ضد این مقصود ملی قیام کرده و در صدد الفا شبهه و ایجاد نفاق در اذهان عمومی برمی‌آیند، صریحاً باید گفت که به ملت و مملکت و مذهب و دیانت خیانت می‌کنند... حفظ شعائر اسلامی را اولین وظیفه خود می‌شمارد ولی در عین حال، به کسی اجازه نمی‌دهد که اندک رخته هم در وحدت ملی ایجاد نموده و خود سرانه به صورت موعظه نهی از منکر و بهانه تبلیغات مذهبی فعالیت مفسد کارانه و ماجرا جوینده خود را به جامعه وارد و در اذهان مردم تولید شبه و نفاق نماید؛ زیرا این قبیل اشخاص... در حکم مفسدین فی الارض محسوب و به حکم همان اصل و مقررات اسلامی مستوجب هر گونه تعقیب و تنبیه و مجازات هستند و... بنابراین، دولت به موجب این متحد المال به تمام مأمورین خود امر می‌دهد که در ضمن اجرای وظایف خود از این الغالت نفاق‌آمیز و تلقینات فسادانگیز شدیداً و قویاً جلوگیری کرده و هر کس را که به این قبیل عناوین متمسک و متشبث شده و در صدد تحریک فساد و فتنه بر آیند بدون هیچ ملاحظه مورد مؤاخذه و تعقیب و تنبیه قرار دهند.^(۱) ریاست وزراء

حسین مکی ادامه می‌دهد:

این بخش نامه رسمی روحانیون، مؤثر متغذ را به فکر فرو برد، یعنی چه، دیگر نباید وظایف مذهبی خود را انجام دهیم و مهر سکوت بر لب بزنیم؟!^(۲)

این بخش نامه خشم مردم و عالمان دینی را برانگیخت. عالمان دینی می‌دیدند که هدف از متهم کردن روحانیت و مردم دین مدار به استفاده ابزاری از دین، نه تنها یک حرکت سیاسی به انگیزه به حاشیه راندن روحانیت و مردم موحد برای هموار شدن راه رسیدن به دیکتاتوری مطلق رضاخانی و شکل‌گیری بخش نامه‌های غیر اخلاقی دیگر است، بلکه جنگی روانی و روحی نیز بر علیه روحانیت به شمار می‌رود؛ جنگی که در آن روحانیت و دین مردان به افرادی اخلاک‌گر در نظم اجتماعی و منافع ملی متهم می‌شوند.

در پی این اعلان آیت الله بافقی با اعلان تعطیلی مغازه‌ها و فراخوان مردم به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام در مقابل این حرکت رضا خان شجاعانه ایستادگی کرد. محمد رازی که از شاگردان آیت الله بافقی به شمار می‌رفت، در کتاب خود در خصوص زندگی این بزرگمرد حوزه می‌نویسد:

«آقای حاج شیخ رحمته الله از جا حرکت کرده، به منبر رفت و در انجمنی که بالغ بر چندین هزار جمعیت قم بود و صحن شریف را مملو نموده بودند، آیه (ولتكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرن به المعروف و ينهون عن المنکر) را تلاوت کرده و قریب به این مضامین فرمودند که امر به معروف و نهی از منکر که عبارت از حس مسئولیت بوده باشد، بر هر فردی لازم مخصوص بر علما و طلاب، که مجریان این قانون و این اصل محکمند و هیچ کس را حق ردع و منع در آن نباشد و دولت جابر نتواند از چنین قانونی جلوگیری نماید و خود هم لیاقت اجرای آن را ندارد؛ زیرا علم به موارد و کیفیت آن لازم است و دولت و مأمورین آن جاهل آنند.

..... پی‌نوشت‌ها
۱. تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، ج ۴، ص ۳۷۹ و ۳۸۰.
۲. همان مدرک.
۳. مجاهد شهید، محمد رازی، ص ۹۰.
۴. وصیت نامه سیاسی الهی حضرت امام، (سروش ملکوتی)، ص ۶۹ و ۷۰.

